بسمي الذي به أشرق نيّر التوحيد يا أبا القاسم نداى...

حضرت بهاءالله



### من آثار حضرة بهاءالله – لئالئ الحكمة، المجلد 3، لوح رقم (170)

## بسمي الّذي به أشرق نيّر التّوحيد

يا أبا الْقاسِمِ نداى مظلومرا بگوش جان بشنو، اين ايّام في الجمله اوهاماتى بميان آمده از حق بطلب حزب خود را حفظ نمايد، حزب قبل هر يوم بايادى ظنون هيكلى از وهم ترتيب ميدادند و ركن رابعش ميناميدند و يا اسماى اخرى، سبحان الله انسان متحيّر است از اقوال و اعمال آنحزب، هر يوم اجتهادى مينمودند و عرفانى ذكر ميكردند، بالاخره عرفان منتهى شد باينكه يومى از ايام اينمظلوم قبل از بلوغ در مجلسى وارد مشاهده شد دو نفس با عمامهاى بسيار كبير از براى يكى از مخدّرات خلف حجاب معارف و مراتب علوم خود را ذكر مينمودند تا آنكه يكى از آن دو ذكر نمود بايد بدانيم جبرئيل بالاتر است يا قنبر عبّاس بالاتر است، يا سلمان اينمظلوم متحيّر، بعد از چند دقيقه ذكر شد يا ملاّ اگر جبرئيل آنست كه ميفرمايد (وَنَزَلَ بِهِ الرُّوْحُ الأَمِيْنُ عَلى قَلْبِكَ) آنجا آقاى قنبر هم تشريف نداشت، بارى آن ايام اين مظلوم بر مظلوميت خاتم انبيا نوحه نمود، براستى ميگويم از حزب قبل ظلمى بر آنحضرت وارد شده كه لوح نوحه نمود و قلم گريست گريستنيكه ملأ اعلى گريستند و اصحاب جنّت عليا صيحه زدند، از حق ميطلبيم اينحزبرا از امثال اين ظنون و اوهام حفظ فرمايد و بر صراط مستقيم مستقيم دارد إِنَّهُ هُوَ الْقَوِيُّ الْغالِبُ الْقَدِيْرُ، يا أَبا الْقاسِمِ امروز أمّ الكتاب از شطر سجن بتو توجّه نموده طُوْبى لِمَنْ ذَكَرَكَ وَأَرْسَلَ اسْمَكَ إِلى مَقامٍ سُمِّيَ بِسَمآءِ هذِهِ السَّمآءِ، ذَكَرْناكَ وَأَجَبْناكَ بِآياتٍ لا تُعادِلُها كُتُبُ العالَمِ وَما عِنْدَ الأُمَمِ يَشْهَدُ بِذلِكَ مَنْ نَطَقَ أَمامَ الْوُجُوْهِ الْمُلْكُ وَالْمَلَكُوْتُ للهِ الْمُقْتَدِرِ الْمُهَيْمِنِ الْقَيُّوْمِ.